الف) مبانی مشهور در اشتراک افق؛ دخالت طول جغرافیایی در رؤیت پذیری

(6:44)

این اشتراک افق سه مرحله دارد. سه گام دارد. آن چه که قدیم مطرح بود و بعداً در قرن چهاردهم داغ شد، مرحله اولش است. مرحله دومش تغییر فتوای حاج آقای سیستانی است. قبلاً فتوایشان بود و تغییر کرد. خودشان هم توضیح دادهاند. مرحله سومش همین هلال ماه ما است که میخواهم توضیح بدهم.

شاگرد: فتوای آقای خوئی یا آقای سیستانی؟

استاد: فتوای آقای خوئی که عوض نشد. ایشان از اول گفتند که اشتراک افق را شرط نمیدانم.

شاگرد۲: آقای سیستانی اول مثل آقای خوئی بودند و بعد برگشتند؟

استاد: نه، اول مشهور را میگفتند. در تبدیل فتوا، اضافه بر مشهور گفتند. یعنی تغییر فتوایشان طوری بود که از مشهور فاصله گرفتند. حالا توضیح آن را عرض میکنم. من مثالهای بیرونی را بزنم تا تفاوت در اشتراک در ذهن شریفتان بیاید. ببینید مشکلی که ما از قدیم در اشتراک افق در فقه داشتیم و فقها هم فرمودهاند و تا قرن چهاردهم آمد، این بود: بلدی هستند که چون اشتراک افق ندارند، وقت غروب آن شهر، هلالِ از تحتالشعاع بیرون آمده، ندارید. اصلاً هلال از تحتالشعاع بیرون نیامده. ما در قم هستیم و وقت غروب ما است، به افق نگاه میکنیم و میبینیم هلال نیست. چرا آن را نمیبینیم؟ چون اصلاً از تحتالشعاع بیرون نیامده. یک ساعت بعد در نجف به افق نگاه میکنند و آن را میبینند. چرا میبینند؟ چون غروب آنها یک ساعت بعد از ما است. در این یک ساعت قمر از تحتالشعاع بیرون آمده. خب به چه مجوزی شما میگویید وقتی در قم هلال بیرون آمده از تحتالشعاع نداشتیم، باید همراه نجف و بغداد بشویم؟! آنها بلاد غربی هستند و برای خودشان است. بلد غربی یک ساعت بعد از ما، در افق آنها هلال از تحتالشعاع بیرون آمده و آن را میبینند، خب فردا را عید بگیرند. فرض ما در قم این است، اهل فن میگویند، چشم میگوید، که ما وقت غروب در قم هلال نداشتیم. چون از تحتالشعاع بیرون نیامده. این مرحله اول بحث اشتراک افق است. مشهور میگفتند اشتراک افق شرط است. یعنی رویت در بلد غربی با یک ساعت، دو ساعت، چهار ساعت فاصله برای بلد شرقی کفایت نمیکند. ما اگر در قم هلال را ببینیم در کابل کفایت نمیکند. چون کابل یک ساعت قبل از ما غروب کرده، در همین فاصله قمر از تحتالشعاع بیرون آمده و محاسبه اش هم معلوم است. نیم ساعت بعد از غروب کابل، تازه هلال از تحتالشعاع بیرون آمده و ما در قم میبینیم و آنها نمیبینند. پس این مرحله اول اشتراک در افق است. یعنی اشتراک افق میگوید اگر افق مشترک نباشد، شما در شرق هستید و هلال از تحتالشعاع برای شما بیرون نیامده بود ولی در غرب شما بیرون آمده، برای شما کفایت نمیکند. اشتراط شرط است.

شاگرد: این برای مرحله دوم است، مرحله اول که اصالً شرق و غرب ندارند. مطلقاً اگر در یک شهری ببینند، از شهر دیگر کفایت نمی‌کنند. غرب و شرق هم در اواخر قرن ششم نبوده. می‌گویند رویت مهم است. هر شهری حکم رویت خودش را دارد.

استاد: فقهای بزرگی که دنبال آن عبارات گفته اند، از آن‌ها می‌فهمیم که فهم فقهای بزرگ از عبارات فقهای پیشین هم همین بوده. ولذا روایت یقطینی که می‌گفت ما در بغداد هستیم و هلال نداریم، اما «قوم من حُسّاب» و یک عده‌ای از اهل حساب هستند که می‌گویند درست است که شما در بغداد هلال ندارید اما همین امشب در مغرب و در اندلس و در الجزائر هلال دارند. سه-چهار شهر را گفت؛ اندلس، مصر، افریقی. گفت در آن جا می‌بینند. خود این روایت کاشف از این است که مطلب مطرح بوده؛ غرب و شرق. لذا وقتی می‌گفتند اگر شما ندیدید، یعنی چون شرقی هستید ندیدید. اگر در بلاد غربی شما دیدن فایده‌ای ندارد. آن هایی که اشتراک را شرط می‌دانستند. آن هایی که شرط نمی‌دانستند، از قدیم می‌گفتند اگر شما نداشتید ولی همین امشب در اسپانیا و افریقا دیدند، برای شما هم کافی است. این مرحله اول بود.

با این مرحله، الآن بلادی که در طول جغرافیایی با هم شریک هستند؛ یعنی نصف النهار همه آن‌ها یکی است و نماز ظهر را با هم می‌خوانند. حال این بلاد دیگر شرقی و غربی نیست. شرقی و غربی، آن هایی است که از طولش بیشتر است شرقی می‌شود، اگر طولش کمتر است غربی می‌شود. این برای اشتراک در مرحله اول است. اما عرض جغرافیایی دخالت دارد یا ندارد؟ در همین خوج از تحت‌الشعاع دخالت دارد. خیلی ساده؛ ما الآن در قم هستیم، در غروب قم، در ساعت پنج و نیم هلال را می‌بینیم، در عرض شمالی ما بروید؛ مثلاً مسکو؛ اصلاً ظهرشان با ما یکی است. نصف النهار ما با نصف النهاری که عرض شمالی زیادی دارند، ظهرمان یکی است. نصف النهارمان هم یکی است. خب حالا که نصف النهار ما یکی است، در قم همین امروز هلال را دیدیم که از تحت‌الشعاع بیرون آمده، آیا برای آن‌ها هم بیرون آمده و این کافی است یا نه؟ مثلاً در همین دی ماه و آذرماه، این خوج برای آن‌ها کافی است یا نه؟ همین مشکلی که الآن گفتم در اینجا هم مطرح است. چرا؟ چون درست است که ظهرمان با مسکو یکی است؛ در طول و نصف النهار مساوی هستند، اما چون عرض متفاوت دارد، طلوع و غروب آن‌ها فرق می‌کند. ما در ساعت پنج و نیم در قم هلال داریم، اما در مسکو در ساعت سه و نیم غروب شده. چهار بعد از ظهر غروب کرده؛ و روی محاسبه دقیقاً می‌دانیم وقتی در ساعت چهار داشت غروب می‌کرد، در افق خودشان اصلاً هلال از تحت‌الشعاع بیرون نیامده. پس یک جور اشتراک افق با آن‌ها داریم، چون طولمان یکی است؛ نصف النهارمان یکی است. اما چون عرض آن‌ها زیادتر از ما است، چون غروب آن‌ها جلوتر است، آن‌ها هلال ندارند. یعنی گویا ما کی که در شرقی و غربی داشتیم و گفتیم طلوع ها تفاوت می‌کرد، فاصله زمانی سبب می‌شد که وقت غروب او هلال از تحت‌الشعاع بیرون نیامده باشد، این ما کی در اینجا هم هست. در نصف النهار یکی هستند ولی غروب آن‌ها فرق دارد. یک ساعت، یک ساعت و نیم قبل غروب شده، در همین فاصله ماه در قم از تحت‌الشعاع بیرون آمد لذا ما هلال داریم و آن‌ها ندارند. پس در اینجا هم می‌گوییم ولو با ما شریک هستند اما امشب شب اول ماهشان نیست. چون در وقت غروبشان هلال از تحت‌الشعاع بیرون نیامده. تا اینجا مرحله اول بحث بود. اشتراک افق به این معنا که افق‌های مشترک کجا هستند؟ وقتی در یک افق دیدیم، در افق مشترک ما هم در وقت غروبش باید قمر از تحت‌الشعاع بیرون آمده باشد. این میزان اشتراک افق در مرحله اول است. لذا مشهور طبق فتوای خودشان که اشتراک افق را شرط می‌دانستند، باز این را قبول داشتند که رویت در بلد شرقی «یکفی للبلاد الغربیة». وقتی شما در بلاد شرقی و کابل دیدید، برای قم هم کافی است. برای اصفهان کافی است؛ ببینند یا نبینند. این فتوای مشهور است. چرا؟ چون در بلد شرقی دیده شد. در شرق از تحت‌الشعاع بیرون آمده، لذا دیگر هلال داریم. این کافی است. مشهور این را می‌گویند. خب چرا الآن در عرض شمالی قبول نکردید؟ چون غروب آن‌ها زودتر بود و هلال نداشتند. مشکل این بود که در وقت غروب هلال نداشتند.

بازبینی #1
ایجاد شده 2 فوریه 2026 15:51:40 توسط ... .
به روزرسانی شده 2 فوریه 2026 15:53:23 توسط ... .